



# انترناسیونال

## ۲۴۷

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۷ خرداد ۱۳۷۸، ۶ جون ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



مریم نمازی در حال سخنرانی در کنفرانس انتقادی

## حضور هیئت حزب کمونیست کارگری ایران در اجلاس سازمان جهانی کار

صفحه ۸

## کنفرانس انتقادی به اسلام به واقعه سیاسی مهمی در آلمان تبدیل شد

صفحه ۳



مینا احدی در حال سخنرانی در کنفرانس انتقادی

## جنایت ۳۰ خرداد ۶۰ را نه میبخشیم و نه میگذاریم فراموش بشود!



مهرنوش موسوی

هلاکست اسلامی تمام عیار را برپا کرد. با اعدام و کشتار نسل جوان آن موقع، کمونیستها، رهبران کارگری، فعالین حقوق زن، دانشجویان و آزادیخواهان، انقلاب را به خون کشید، جمهوری اسلامی بر متن

صفحه ۲

۳۰ خرداد ۶۰ سالروز دادن تضمین امنیتی آن موقع خمینی به آمریکا و دول غربی برای به خون کشیدن انقلاب ضد سلطنتی ایران و مقابله با خطر چپ شدن خیزش مردم ایران و انقلاب کارگری در منطقه است. در ۳۰ خرداد ۶۰ رژیم در ایران، یک

## اعتراض در آذربایجان و تحرك ناسیونالیسم قوم پرست گفتگوی تلویزیون انترناسیونال با محسن ابراهیمی



ناصر اصغری: محسن ابراهیمی به برنامه ما خوش آمدید.  
محسن ابراهیمی: متشکرم.

ناصر اصغری: همچنانکه میدانید امروز اول خرداد است. سالروز اعتراضات مردم در آذربایجان است. اگر یادتان باشد در سال ۱۳۸۵ در اعتراض به درج يك کاریکاتور توهین آمیز به مردم ترك زبان که در روزنامه دولتی ایران درج شده بود، اعتراض وسیعی شد. قبل از هر چیزی از شما میخواهم که ما را به آن روزها بیرید و يك تصویری از آن روزها به ما بدهید.

محسن ابراهیمی: اجازه بدهید من هم درود صمیمانه به کارگران نیشکر

هفت تپه که واقعا دارند با دست خالی ولی با اتحاد قدرتمندشان با يك رژیم جنایتکار سر تا پا مسلح مبارزه میکنند شروع کنم و همچنین با تبریک به شما که برنامه هایتان را شروع کرده اید و امیدوارم برنامه های موفقی داشته باشید.  
دو سال پیش بخش کودکان

صفحه ۵

## دانشجویان تربیت معلم ماموران حراست را فراری دادند

صفحه ۳



# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ جنایات ۳۰ خرداد ۶۰ را...

کشتار سال ۶۰ متولد شد. بدین سان بود که افسار يك هیولای تروریستی اسلامی را ول کردند تا کار نیمه تمام شاه و ارتش و ساواکش را علیه طبقه کارگر و مردم ایران تمام کند. يك کمپ ضد کمونیستی سیاه را علیه خطر انقلاب کارگری در ایران و منطقه سر پا کردند. ۳۰ خرداد ۶۰ مبنای سازمان دادن وحشیانه اسلام به عنوان ابزار اصلی يك بازسازی دست راستی طبقه حاکمه و يك نظام حکومتی علیه چپگرایی در ایران و منطقه بود. با اعدام و شکنجه و قتل‌های دسته جمعی به این هدف خود جامعه عمل پوشاندند. رژیم اسلامی از نقطه نظر ما و بر خلاف تبلیغات ارتجاعی دوم خردادیهها، سلطنت طلبان، ناسیونالیسم پرو غرب، سر پاسداران و شکنجه گران پریروز، ولتر دگر اندیشان دیروز و پرو غریبه‌های امروز، نتیجه انقلاب برحق مردم ایران نبود. به عکس نتیجه سرکوب انقلاب پسا خواسته يك نسل آزادخواه و برابری طلب بود.

رجوع ما به ۳۰ خرداد ۶۰ از چند نقطه نظر است:

اول اینکه: خرداد ۶۰ فقط یکی از هزاران برگ در صفحات سیاه تاریخ رژیم جنایتکار اسلامی نیست. ۳۰ خرداد ۶۰ يك نقطه عطف مهم در شکل گیری نظام اسلامی است. ۳۰ خرداد ۶۰ کودتای این رژیم بر علیه يك انقلاب است که امروز خشونت می نامند، اسلامی اش مینامند تا سیاست و افق راستشان را به مردم حقنه کنند. تا هر گونه تحول انقلابی را بپهوده جلوه بدهند. تا سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی را غیر ممکن جلوه بدهند. این مهم است که در تقویم اعتراض و مبارزه مردم، تولد رژیم اسلامی با کيفرخواست ۳۰ خرداد ثبت بشود. چرا که اگر تاریخ را دشمنان مردم ایران جعلی بنویسند، نقطه پایان گذاشتن به آن را نیز جعلیتری از آغاز به جامعه حقنه خواهند کرد! رژیم اسلامی بر روی دریایی از خون و با اعدام و کشتار مخالفین خود متولد شد، نقطه پایان این تاریخ فقط میتواند سرنگون کردن و به زیر کشیدن این جاپیان و درهم کوبیدن کامل دستگاه جنایت آنها باشد! ما و مردم به کمتر از این رضایت نمیدیم.

دوم اینکه: کيفرخواست ما علیه نظام و جنایت ۳۰ خرداد، دستگیری

و محاکمه کلیه سران نظام و همه کسانی است که در این جنایت شریک و سهیم بوده اند. حزب کمونیست کارگری مجازات اعدام و قصاص و کلیه مجازاتهای اسلامی و انتقامجویانه را قبول ندارد. ما خواهان محاکمه علنی و مجازات جانیمان اسلامی در دادگاههای مردمی و شنیدن داستان این نسل کشی اسلامی از زبان برپادارندگان آن هستیم.

۳۰ خرداد ۶۰ یکی از مقاطع مهم سرکوب مردم ایران است که همه جناحها و دسته بندیهای دیروز و امروز حکومت در آن دست داشته اند. روی پرونده ۳۰ خرداد ۶۰ نمیتوانند جناح بندی بکنند و به گردن همدیگر بیندازند و دستهایشان را پاک کنند. کل حاکمیت از بالا تا پایین، مسئول این جنایت و هلاکات اسلامی است. همه کسانی که در این حکومت دستی داشته اند مسئول جنایت و نسل کشی ۳۰ خرداد ۶۰ هستند. احدی نمیتواند از زیر کيفرخواست ما و مردم ایران فرار کند. بویژه اینکه عده ای از هم اکنون به طرق مختلف فراری دادن مقامات نظام و جنایتکاران ۳۰ خرداد ۶۰ را تدارک دیده اند. کمپین روی ۳۰ خرداد ۶۰، در عین حال، يك پلاتفرم مهم برای کوبیدن اپوزیسیون راست ارتجاعی است که مدتهاست برای زد و بند با گروههای مختلف حاکمیت و فراری دادن جانیمان و بیرون کشیدن آنها از زیر چنگ مردم تبلیغات میکند. کمپین میکند که مقامات نظام را باید بشنید و جنایتشان را فراموش کرد. يك علت اینکه در این چند سال اخیر

کمپین "جنایتکاران را می بخشیم و فراموش میکنیم" از سوی بخشهایی از اپوزیسیون دوم خرداد به راه انداخته شد، اسباب کشی این افراد از کمپ دوم خرداد به جنبش راست پرو غرب بود. با کمپین "بخشید و فراموش کنید" میخواستند پیوستنشان را به صدای آمریکا و موسسه انترپرایز و شبکه سیاستمداران علنی راست پرو امریکایی سرعت بخشند و بدون در دسر بکنند. در عین حال پروسه سرنگون کردن نظام، دستگیری و محاکمه سران و دست اندرکاران آن را که خود نیز تا آخرین دقایق جزو آن بوده اند، به پروسه شیرینی خوردن و چنج کردن یواشکی و بدون در دسر آن بدل و آترا تخفیف بدهند. استراتژی

پراگماتیستی که روی فراموش کردن مردم، به خواب کردن و از صحنه بیرون کردن آنها حساب کرده است. میدانند که ملتی که جانیتشان را ببخشد و جنایتشان را فراموش کند، جواز سرکوب و جنایت بعدی را خودش با دست خودش دوباره صادر کرده است. برای همین اساسا دوم خردادیهای درون و بیرون نظام، وقتی پروژه شان برای تبدیل معاند به مخالف و مخالف به موافق شکست خورد، رسوا و مفتضح شدند، برای معاند شدن خودشان و پیوستن به صف راست این کمپین را با کمک سلطنت طلبان و راست پرو غرب شکل دادند. تا مگر راه سالن ترانزیت تهران/ واشنگتن را هموار کنند. تا بتوانند افرادی همچون سازگارا و گنجی و... به راحتی لباس مخالف به تن کنند، خود را به کوچه علی چپ زده، اعلام کنند که در موقع کشتار ۶۰ که امثال اینها جزو سازماندهندگان سپاه پاسداران بوده اند، خبر کشتار جوانان را از بقیه میشنید و خبر نداشته اند که در زندانها چه میگردد!!

ما کمونیستها نمی گذاریم ۳۰ خرداد ۶۰ فراموش بشود! فراموش کردن جنایات رژیم و بخشیدن سران نظام همان تضمین امنیتی است که خامنه ای، احمدی نژاد، و رفسنجانی و خاتمی و... مدتی است معطل آنند! نباید گذاشت که با وساطتت راست پرو غرب و با سرمایه گذاری روی خواب کردن مردم، این تضمین امنیتی جنایتکارانه به آنها داده شود. این جواز را برای عقب راندن خیزش آتی مردم ایران و بیرون کردن آنها از صحنه لازم دارند.

سوم اینکه: نظام باید به اسم و افق چپ بیفتد. چپ جامعه ایران خواهان دستگیری و محاکمه علنی سران نظام است. راست جامعه ایران برای جلوگیری از درهم کوبیدن نظام، آنها را از هم اکنون بخشیده و سعی در به فراموشی سپردن جنایاتشان دارد. خود این تفاوت باعث ارائه دو تصویر متفاوت از پروسه سرنگونی نظام یا حفظ ماشین دولتی و ساختار قدرت آن است. علت اینکه راست روی بخشیدن سران نظام کمپین میکند، خواب کردن مردم و از صحنه بیرون کردن آنان است. به اعتقاد ما هرگونه دخالتی از سوی راست اپوزیسیون که باعث شود تصویر و انتظار مردم از این تحول انقلابی تخفیف یابد، عوض بشود، به ضرر مردم ایران، چپ

جامعه و کمونیسم کارگری است. ما جلو تحمیل تصویر انقلاب مخملی نوع فرقیستان را در جامعه ایران میگیریم. در آنجا با کمک غرب، اعتراض مشروع مردم را مستمسک مرض کردن رئیس جمهور وقت کرده، حکومت جدیدی با چفت و بست زدن به همان ساختار قدیم بر سر کار آوردند. غالب دولتمردان قدیم را در پستهایشان ابقاء کردند. بعد از اینکه آنها را از آسیاب انداختند، رئیس جمهور فراری را بخشیده برای ابراز نظر در باب مسائل مملکت دوباره به پارلمان آوردند! ایران جای این تصاویر مخملی و توطئه آمیز نیست. ۳۰ سال مردم ایران مبارزه نکردند تا سر پاسداران دیروز، ریش و پشمها را تراشیده، لباس پرو غربی به تن کنند و روی بیرون کردن مردم از صحنه حساب باز کنند. مبارزه نکردیم تا خامنه ایها، رفسنجانیها و خاتمیها و بقیه جنایتکاران حاکم را بدر ببرند! واقعیت این است که اولین کاری که ارتجاع در همه کشورها در چنین مقاطع متحول و انقلابی بدان مبادرت می ورزد، بریدن دست مردم و اعمال اراده آزاد آنها در جایجایی قدرت سیاسی است. با برپایی يك انتخابات قلابی، به مردم دست تکان میدهند که به خانه هایشان برگردند. تصویر دخالت مردم را سعی میکنند فوراً عوض بکنند. بر عکس، مطالبه دستگیری و محاکمه سران نظام، مردم را بر علیه جنبشی که به زیر کشیده شده است در صحنه نگه میدارد. تمام پرونده های جنایت این تروریستهای حاکم باید رو بشود. نمی گذاریم در گاوصندوقها پنهان کنند و بعد از ۳۰ سال برای استفاده سیاسی خودشان، هر گاه که به نفع خودشان بود بیرون بکشند و مانند روزنامه کیهان، با آن کاسبی کنند. مردم حق دارند بدانند در ۳۰ خرداد ۶۰ چه گذشت؟ مردم حق دارند خواهان دستگیری مقامات نظام و محاکمه آنها شوند. مردم حق دارند سهم خمیسی را همانقدر روشن کنند که سهم خامنه ای، خاتمی، رفسنجانی، کروی، و همچنین کسانی مثل گنجی، حجاریان، تاج زاده، سازگارا و بقیه را!

خود دادگاهی کردن این افراد بزرگترین تضمین امنیتی مردم ایران برای غیر قابل برگشت کردن دور جدید تقلابی ارتجاعی علیه حکومت کارگری جوان ایران در فردای پیروزی حزب کمونیست کارگری و مردم است. صحنه

محاکمه سران نظام و دست اندرکارانش، نوشتن تاریخ زنده مبارزه چند نسل علیه تروریسم اسلامی در این مملکت است. تضمین روشننگری وسیع سیاسی و اجتماعی در مقیاس بین المللی علیه دیکتاتوری هار اسلامی در ایران است. دستگیری و محاکمه سران نظام در دادگاههای علنی، بستن پرونده تاریخ تروریسم اسلامی با قدرت و به اسم چپ است!

چهارم اینکه: اولویت تبلیغات ما بر علیه ۳۰ خرداد ۶۰ وارد آوردن حملات سنگینتر به راس نظام حاکم است. افشای خط امام و جنایتکاران اسلامی حاکم است. در عین حال و همزمان توطئه سکوت اپوزیسیون راست و ملی / اسلامیها را و کمپین فراموش کردن و بخشیدن مقامات نظام را از سوی اینها نیز میگوییم، افشا و از صحنه بیرون میکنیم. واقعیت این است که کسانی که کمپین میکنند تا جنایتکاران را ببخشند و میخواهند مردم را خواب کنند، به لاجرم نمیتوانند علیه تاریخ مهم جنایات رژیم هم حرف بزنند. تاریخی که جملگی در آن دست داشته اند. بخصوص که يك شبکه سیاستدار دو خردادی و پرو غربی در سالهای اخیر حول سیاستهای هیئت حاکمه آمریکا از میان خود دست اندرکاران جنایت ۳۰ خرداد ۶۰ شکل گرفته است. اینها کسانی هستند که همچون سازگارا و یا گنجی و... از دولت آمریکا بابت بالا رفتنشان از دیوار سفارت آمریکا رسماً عذرخواهی و استغفار کردند، اما حاضر نیستند بابت دست داشتن مستقیمشان در جنایت ۳۰ خرداد ۶۰، از مردم ایران حتی طلب بخشش بکنند! با علی چپ زده، تازه میخواهند، جلو خواست برحق مردم برای دستگیری و محاکمه جانیمان حاکم را هم سد کنند. از مسئله هسته ای گرفته تا سالروز نام خلیج، از سالروز مصدق گرفته تا تولد فلان شاه و بهمان قهرمان ملی، نه فراموش میکنند و نه به خواب میروند! به عوض از مردم میخواهند که جنایات رژیم را ببخشند تا فضا برای پروژه های سیاه اینها مهیا شود.

ما سالروز ۳۰ خرداد ۶۰ را به فرصتی برای افشای رژیم اسلامی، جنایاتش و بخشندگان امروزش بدل میکنیم.\*

## چهارمین روز اعتراض دانشجویان تربیت معلم مسئولین دانشگاه آب آشامیدنی را بر روی دانشجویان متحصن بستند

دانشگاه تربیت معلم ظاهر شوند. حمایت گسترده و همه جانبه و پی گیرانه دانشجویان از یکدیگر می تواند ضامن پیروزی اعتراضات دانشجویان باشد.

سازمان جوانان کمونیست بار دیگر از مطالبات به حق و اعتراضات دانشجویان تربیت معلم حمایت می کند و از سایر دانشجویان دعوت می کند از دوستان خود به هر شکل ممکن، از بیانیه حمایتی گرفته تا تحصن و برگزاری تریبون آزاد و تعطیلی کلاس ها در دانشگاه خود، حمایت کنند.

سازمان جوانان کمونیست  
۱۴ خرداد ۸۷، ۳ جولای ۲۰۰۸

دانشجویان تربیت معلم دانشگاه خود را "سنگر حصارک" نامیده و خواهان کمک و حمایت همه دانشجویان دانشگاه های دیگر به سنگر خود هستند. با توجه به مشترک بودن زمینه اعتراضات دانشجویان در ماه های اخیر این حمایت ها نه تنها لازم بلکه کاملاً شدنی است. دانشجویان سایر دانشگاه ها از کرمان و شیراز گرفته تا بوعلی و لرستان و تهران و مشهد باید در صفی واحد در حمایت از دوستان خود در

خانواده دانشجویان تماس گرفته و آنان را تهدید کرده اند و در اقدامی ضد انسانی امروز آب آشامیدنی دانشگاه را قطع کرده اند و همچنین مانع انتقال دانشجویان به بیمارستان می شوند. گفتنی است تعداد ۷ نفر از دانشجویانی که در اعتصاب غذا به سر می برند دچار وضعیت وخیم جسمی شده و باید هر چه سریع تر به بیمارستان منتقل شوند که انتقال آنان با مانع حراست و نیروهای انتظامی مواجه شده است.

دانشجویان متحصن هستند. دانشجویان برای رسیدن به مطالبات خود در دانشگاه تجمع کرده اند و تعداد ۵۰ نفر از آنان نیز دست به اعتصاب غذا زده اند. از طرفی مسئولین دانشگاه با وارد کردن نیروهای اوباش حزب الله و تعدادی لباس شخصی و با کمک گرفتن از نیروهای حراست سایر دانشگاه ها، دانشگاه را کاملاً محاصره کرده و تلاش می کنند اعتراض و تجمع دانشجویان معترض را سرکوب کنند. بدین منظور با

امروز سه شنبه نیز تجمع و تحصن اعتراضی دانشجویان تربیت معلم به وضعیت بد رفاهی و آموزشی، جداسازی جنسیتی که از روز پنجشنبه دهم خرداد شروع شده بود، ادامه دارد. دانشجویان خواهان اخراج زمانی مدیریت فوق برنامه، جعفری معاون آموزشی، داشتن سالن مطالعه، بهبود وضعیت رفاهی و خوابگاه ها، عذر خواهی رئیس حراست به دلیل تهدید خانواده ها، به تعویق افتادن يك هفته ای امتحانات و عدم برخورد انضباطی با

شاهین ویلا و گوهردشت و مناطق دیگر کرج می خواهد برای کمک و پیوستن به دانشجویان تربیت معلم به این دانشگاه بروند، اخبار اعتراضی آنان را در سطح شهر و منطقه منتشر کنند و از مردم بخواهند به دانشجویان کمک کنند، دانشجویان تربیت معلم به کمک همه ما نیاز مندند. همینطور دانشجویان دانشگاه های سراسر ایران باید فعالانه در این اعتراضات شرکت و از دانشجویان تربیت معلم حمایت کنند.

سازمان جوانان کمونیست  
۱۵ خرداد ۸۷، ۴ جون ۲۰۰۸

## دانشجویان تربیت معلم ماموران حراست را فراری دادند

ترساندن آنان حکم اخراج دانشجویان را بخواند که با اعتراض شدید دانشجویان مواجه شد، دانشجویان حکم اخراج را پاره کرده و ماموران حراست را از محیط دانشگاه فراری دادند.

دانشجویان طی بیانیه ای سرگشاده وضعیت اعتراضات خود را اعلام کرده اند و از همه مردم و دانشجویان دانشگاه های دیگر خواسته اند به آنان کمک کنند و به آنان بپیوندند.

سازمان جوانان کمونیست از جوانان منطقه حصارک و باغستان و

در اعتصاب به سر می برند، حال ۹ نفر از این دانشجویان وخیم است که به بهداری دانشگاه منتقل شده و ۲ نفر دیگر به خاطر شدت وخامت وضع جسمانی شان به بیمارستان منتقل شده اند.

مسئولین دانشگاه و نیروهای حراست، برای سرکوب دانشجویان از حراست سایر دانشگاهها کمک گرفته و ورود و خروج دانشجویان را با مشکل مواجه کرده اند. حراست دانشگاه در این میان حکم اخراج ۲ دانشجو را صادر کرده بود و قصد داشت در تجمع دانشجویان برای

به سر می برند ولی با شنیدن خبر تحصن و اعتراضات دوستانشان خود را به دانشگاه رسانده و در تجمع اعتراضی شرکت کردند. امروز بیش از سه روز از اعتصاب غذای دانشجویان می گذرد. تعداد ۷۲ نفر از دانشجویان

امشب چهارشنبه ۱۵ خرداد حدود ۳۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم در مقابل خوابگاه دختران این دانشگاه اقدام به برگزاری تریبون آزاد کردند. با اینکه تعدادی از دانشجویان تربیت معلم در روزهای تعطیلات پیش از امتحانات

**سوسیالیسم پیا خیز!**  
**برای رفع تبعیض**

## در مرکز سیاست در آلمان، در دفاع از حقوق انسانی کنفرانس انتقادی به اسلام به واقعه سیاسی مهمی در آلمان تبدیل شد



محمد آسگران

راه حل درست احتیاج دارد و رهبران و متفکرین این نقد و مبارزه علیه جنبش کثیف اسلامی و مدافعین حقوق جهانشمول انسانی را پاس میسازد. گزارش کاملتر این کنفرانس به زودی منتشر میشود.

کنفرانسی که با شور و شوق آغاز شد با امیدواری به ایجاد تغییر روز اول کار خود را به پایان رساند. این کنفرانس یکشنبه نیز ادامه دارد. خبر این کنفرانس و سخنرانیهای مطرح شده در آن، امروز اول صبح یکشنبه در صدر اخبار آلمان است.

دهها خبرنگار روز شنبه این کنفرانس را پوشش خبری داده و امروز در رسانه های متعددی در صفحه اول عکس این کنفرانس و مضمون انتقادات به دولت و سازمانهای اسلامی درج شده است. این کنفرانس یکبار دیگر اثبات کرد که جامعه به انتقاد و

اکثرا از مدافعین حقوق انسانی و شخصیتهای شناخته شده و موثر جامعه آلمان بودند، توانست همه سکولاریستها و آئیست ها و همه مردم معترض در آلمان را نمایندگی کند =

فضای کنفرانس بسیار دوستانه و متحدانه و با اعتماد به نفس بود و میتواند مبنایی برای پیشروهای بزرگتر باشد. این کنفرانس از ساعت ۱۰ صبح شنبه تا ساعت ۲۲ ادامه داشت و یکشنبه اول جون از ساعت ۱۰ تا ۱۳ ادامه خواهد داشت.

اسلامیها و دولت بود. سخنرانان به عنوان مدافعان حقوق مردم این کشور و نماینده مردم فراری از دست اسلام سیاسی، به عنوان سخنگویان همه آن کسانی که دولت آلمان و جریانهای اسلامی آنها را، "خارجی، و مسلمان میانمند" پشت میکروفون رفتند و با اعتماد به نفس و امید به پیروزی سخنرانی کردند. مورد استقبال گرم حاضرین قرار گرفتند و راه حلهای انسانی و مدرن خود را ارائه دادند. این کنفرانس با قدرت و اعتماد به نفسی که از خود نشان داد، به گفته تعداد زیادی از حاضرین که

روز شنبه ۳۱ ماه مه، بیش از دویست نفر در سالی در دانشگاه کلن آلمان به سخنان شخصیت ها و فعالینی گوش فرادادند، و برای آنها ابراز احساسات کردند که در مورد جهانشمولی حقوق انسانی، در نقد جنبش اسلامی، اسلام سیاسی و ضدیت این جنبش با حقوق انسانی و ضد زن بودن آن و در نقد سیاستهای دولت آلمان و همکاری حاکمان آلمان با سازمانهای تروریست اسلامی سخنان آتشینی ایراد میکردند. این کنفرانس یک کنفرانس آلترناتیو در مقابل کنفرانس

## در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



## گرانی و خطر "شورشهای بنیان کن"

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که یک سازمان دولتی و متشکل از عمدتاً دولتمردان سابق جمهوری اسلامی و دوم خردادیهاست و یک حزب رسمی در حکومت محسوب میشود، بیانیه ای منتشر کرده که تیتراژ اینست "هشت خطر بزرگ جمهوری اسلامی را تهدید میکند". از میان این خطرهای بزرگ مهمترینش خطر شورش مردم است که این سازمان آنرا اینطور بیان میکند. "بی اعتنائی نظام به بالاگرفتن موج تخریب اقتصاد که به تورم و فقر می انجامد و ممکن است به شورشهای بنیان کن ختم شود"

وحشت از شورشهای عظیم مردم که ممکن است بنیان حکومت را به لرزه در آورد یک وحشت واقعی و جدی است و مختص دوم خردادیها نیست. در ماههای اخیر سران حکومت به شیوه های مختلفی ترس و وحشت خود از این نوع شورشها را بروز داده اند. در واقع خشم مردم از گرانی و فلاکت آنچنان گسترده و عمیق و آشکار است که کسی نمیتواند آنرا نبیند. این خطر آنقدر برای جمهوری اسلامی جدی است که دارد نیروهای ضد شورش را آماده میکند و "طرح امنیت اجتماعی" که از سوم خرداد قرار بود به اجرا گذاشته شود و بیش از هزار محله در شهرهای بزرگ شب تا صبح توسط نیروهای "دولتقار" و "کریلا" و بقیه اوباشان زیر کنترل گرفته شود در واقع طرحی برای نوعی حکومت نظامی علیه مردم بود که هنوز هم جرات پیاده کردنش را پیدا نکرده اند.

دوم خردادیها در این زمینه وقاحت را به اوج خود رسانده اند. برای حفظ ظاهر و فریب کاری هم شده حرفی از فلاکت و مشقت مردم نمی زنند. حتی در حد موجود منفور و رسوایی بنام احمدی نژاد وعده و قول

توخالی ای در مورد دادن پول نفت به مردم یا کم کردن بارگرانی از دوش "مستضعفان" را طرح نمیکنند. آشکارا میگویند که مشکلمان تماما و تماما فوران خشم و شورش مردم علیه نظام است. از ترس این شورش به دست و پا افتاده اند و پشت سرهم هشدار میدهند که باید برای حفظ نظام در برابر کارگران و مردم کاری کرد. در واقع حرفشان اینست که از تجربه ما هم برای عقب راندن مردم بجان آمده و فضای شورش استفاده کنید. اگر این بیانیه ها و هشدارها خاصیت مثبتی برای کارگران و مردم داشته باشد اینست که قدرت خود را در وحشت باندهای جمهوری اسلامی ببینند و بطور جدی تری دست بکار به زیر کشیدن حکومت تحوش سرمایه داری شوند که دیگر حتی نفس زنده ماندن را هم برای بسیاری مردم بسیار بسیار مشکل کرده است.

شاید بد نباشد در حاشیه صحبت از خشم و عصبانیت از گرانی مهلك در ایران، يك جمله از احمدی نژاد را هم بدون هیچ توضیحی اضافه کنم تا لیخندی بر لباتان نشیند و آن اینکه ایشان در اجلاس سازمان مواد غذایی و کشاورزی در رم در سخنرانیاش گفته است "ما حاضریم تجربه خود برای کنترل قیمتها را در اختیار سران همه کشورها بگذاریم تا از آن استفاده کنند!!"

## جنگ مذهب و سکولاریسم در ترکیه

وقتی که حزب اسلامی "عدالت و توسعه" در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید، ادعا میکرد که يك حزب مدرن و میانه رو است و با "اسلام افراطی" مخالف است. اینها واقعا هم نسبت به برخی جریانات اسلامی، به نوعی "میانه رو" به حساب می آیند. اما همین "میانه روها" ملرنیست های اسلامی وقتی که دهان خود را باز میکنند و سخنی در مورد زنان و کودکان و هر بخشی از

مردم میگویند بوی تعفن ارتجاع و عقب ماندگی و زن ستیزی تهوع آوری از آن به مشام میرسد. و این را تاکید میکنند که تمام رگه های اسلامی ضد زن و مرتجع و ضد انسانند. تجربه همینها برای نشان دادن فریبکاری کسانی که يك خط فاصل جدی میان اسلام بنیادگرا و اسلام میانه رو میکشند کافی است. اخیرا کمیته "دیانت" که يك کمیته دولتی برای رسیدگی به امور مذهبی است و از اختراعات همین حزب عدالت و توسعه است، در مورد زنان مطالبی نوشته که جنجالی را در ترکیه دامن زده است. این کمیته در سایت رسمی خود زنان را "نمونه مجسم فریب جنسی" خوانده است و به آنان توصیه کرده است که بیرون از خانه از عطر زدن بپرهیزند تا مبادا هوسهای جنسی مردان را تحریک کنند. این سایت همچنین می افزاید: "زنان باید بیشتر احتیاط کنند چرا که عوامل تحریک را در اختیار دارند و بنابراین باید خود را کاملاً بپوشانند و از نشان دادن زینت آلات و اندام خود به نامحرم بپرهیزند." فعالین مدافع حقوق زنان این اظهارات را مشابه تبلیغات طالبان ها در افغانستان و حکومت اسلامی در ایران خوانده و محکوم کرده اند.

باید دقت کرد که این نوع تبلیغات و اراجیف که رسماً راه تهاجم به زنان را باز میکند، در جامعه ای بیان میشود که قوانینش به درجه زیادی سکولار است و دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش را ممنوع کرده است. اسلامی ها دارند تلاش جدی میکنند که در آینده ای نه چندان دور کل بنیانهای سکولاریسم ترکیه را نابود کنند و يك حکومت اسلامی را در آنجا برپا کنند. و همین يك قطب بندی بسیار وسیع و جدی را در جامعه ترکیه ایجاد کرده است و جنگی را دامن زده است. هم اکنون کیفرخواستهایی از جانب چند جریان سکولار در دادگاههای ترکیه در حال بررسی است که خواهان انحلال حزب "عدالت و توسعه" به دلیل ضدیت آن با سکولاریسم شده اند و برکناری طیب اردوغان نخست وزیر مسلمان این کشور را طرح کرده اند. اینکه سرنوشت این کشاکش به کجا بکشد روشن نیست. هر دو سوی این کشاکش نقطه ضعفهای جدی و معضلاتی دارند. جبهه سکولار نقطه ضعفش اینست

نشان میدهد.\*

## تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

## شماره حساب ها:

### انگلیسی:

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

### سوئد:

پست جیرو و 3-60 60 639  
صاحب حساب IKK

### آلمان:

Rosa Mai  
Konto.Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با

### شماره تلفن

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید  
و در سطح وسیع توزیع کنید



## از صفحه ۱ اعتراض در آذربایجان ...

روزنامه دولتی ایران که روزنامه رسمی دولتی هست طی مقاله ای مردم آذربایجان را به سوسک تشبیه کرد و یک تحقیر نژادی در حقیقت در آن روزنامه موج زد. مردم در شهرهای مختلف آذربایجان در پاسخ به این تحقیر و نفرت پراکنی نژادی و قومی از طرف یک روزنامه رسمی دولتی، روزنامه حکومتی که مردم سالها تحت سرکوبش هستند اعتراض کردند و بلافاصله به خیابانها ریختند و به این حکومت، به روزنامه اش، به تحقیر نژادی، به راسیسم و به تحقیر بخشی از مردم ایران یعنی مردم آذربایجان اعتراض کردند. این اعتراض بسرعت گسترش پیدا کرد. واکنش به این مسئله خیلی قدرتمند و وسیع بود و تعداد زیادی را به خیابان آورد و اولین جلوه های این اعتراض نشان داد که این اعتراض مستقیماً در مقابل جمهوری اسلامی است و دارد حکومت اسلامی را زیر سؤال میبرد چون مردم بلافاصله به سپاه و بسیج جلوی دانشگاه حمله کردند، به بانکهای دولتی حمله کردند و شعارهای ضد دولتی و علیه حکومت اسلامی دادند. خیلی روشن بود که اعتراض مردم دو جنبه داشت. اول، علیه تحقیر و نفرت پراکنی نژادی و قومی. دوم به خاطر همان دلایلی که مردم سایر نقاط ایران دارند مبارزه میکنند و به هر بهانه ای هم این مبارزه را پیش میبرند. آریا شهر را فراموش نکرده ایم که به بهانه آزار و اذیت جوانان به اعتراض با شعار "ما این حکومت را نمی خواهیم نمی خواهیم" به خیابانها ریختند. مردم در آذربایجان هم نفرت تلنبار شده ۲۹ ساله شان را علیه حکومت اسلامی به بهانه آن مقاله در روزنامه دولتی ایران بیرون ریختند و به اعتراض علیه جمهوری اسلامی پرداختند.

**ناصر اصغری:** نکته جالبی گفتمی. یکسال پیش بود تقریباً که من در یک مجله انگلیسی زبان به اسم "میبل ایست ریپورت"، فکر میکنم دقیقاً مربوط به مارس ۲۰۰۷ بود اگر اشتباه نکنم، این یک مجله تینک تنک است سال یکی از این به اصطلاح نهادهایی در آمریکا که مسائل خاورمیانه میپزد، به نکته ای برخوردیم. کل شماره ماه مارس را

روزنامه دولتی ایران که روزنامه رسمی دولتی هست طی مقاله ای مردم آذربایجان را به سوسک تشبیه کرد و یک تحقیر نژادی در حقیقت در آن روزنامه موج زد. مردم در شهرهای مختلف آذربایجان در پاسخ به این تحقیر و نفرت پراکنی نژادی و قومی از طرف یک روزنامه رسمی دولتی، روزنامه حکومتی که مردم سالها تحت سرکوبش هستند اعتراض کردند و بلافاصله به خیابانها ریختند و به این حکومت، به روزنامه اش، به تحقیر نژادی، به راسیسم و به تحقیر بخشی از مردم ایران یعنی مردم آذربایجان اعتراض کردند. این اعتراض بسرعت گسترش پیدا کرد. واکنش به این مسئله خیلی قدرتمند و وسیع بود و تعداد زیادی را به خیابان آورد و اولین جلوه های این اعتراض نشان داد که این اعتراض مستقیماً در مقابل جمهوری اسلامی است و دارد حکومت اسلامی را زیر سؤال میبرد چون مردم بلافاصله به سپاه و بسیج جلوی دانشگاه حمله کردند، به بانکهای دولتی حمله کردند و شعارهای ضد دولتی و علیه حکومت اسلامی دادند. خیلی روشن بود که اعتراض مردم دو جنبه داشت. اول، علیه تحقیر و نفرت پراکنی نژادی و قومی. دوم به خاطر همان دلایلی که مردم سایر نقاط ایران دارند مبارزه میکنند و به هر بهانه ای هم این مبارزه را پیش میبرند. آریا شهر را فراموش نکرده ایم که به بهانه آزار و اذیت جوانان به اعتراض با شعار "ما این حکومت را نمی خواهیم نمی خواهیم" به خیابانها ریختند. مردم در آذربایجان هم نفرت تلنبار شده ۲۹ ساله شان را علیه حکومت اسلامی به بهانه آن مقاله در روزنامه دولتی ایران بیرون ریختند و به اعتراض علیه جمهوری اسلامی پرداختند.

روزنامه دولتی ایران که روزنامه رسمی دولتی هست طی مقاله ای مردم آذربایجان را به سوسک تشبیه کرد و یک تحقیر نژادی در حقیقت در آن روزنامه موج زد. مردم در شهرهای مختلف آذربایجان در پاسخ به این تحقیر و نفرت پراکنی نژادی و قومی از طرف یک روزنامه رسمی دولتی، روزنامه حکومتی که مردم سالها تحت سرکوبش هستند اعتراض کردند و بلافاصله به خیابانها ریختند و به این حکومت، به روزنامه اش، به تحقیر نژادی، به راسیسم و به تحقیر بخشی از مردم ایران یعنی مردم آذربایجان اعتراض کردند. این اعتراض بسرعت گسترش پیدا کرد. واکنش به این مسئله خیلی قدرتمند و وسیع بود و تعداد زیادی را به خیابان آورد و اولین جلوه های این اعتراض نشان داد که این اعتراض مستقیماً در مقابل جمهوری اسلامی است و دارد حکومت اسلامی را زیر سؤال میبرد چون مردم بلافاصله به سپاه و بسیج جلوی دانشگاه حمله کردند، به بانکهای دولتی حمله کردند و شعارهای ضد دولتی و علیه حکومت اسلامی دادند. خیلی روشن بود که اعتراض مردم دو جنبه داشت. اول، علیه تحقیر و نفرت پراکنی نژادی و قومی. دوم به خاطر همان دلایلی که مردم سایر نقاط ایران دارند مبارزه میکنند و به هر بهانه ای هم این مبارزه را پیش میبرند. آریا شهر را فراموش نکرده ایم که به بهانه آزار و اذیت جوانان به اعتراض با شعار "ما این حکومت را نمی خواهیم نمی خواهیم" به خیابانها ریختند. مردم در آذربایجان هم نفرت تلنبار شده ۲۹ ساله شان را علیه حکومت اسلامی به بهانه آن مقاله در روزنامه دولتی ایران بیرون ریختند و به اعتراض علیه جمهوری اسلامی پرداختند.

**ناصر اصغری:** ما در آذربایجان کمی فرق میکرد. دیدیم که شعارهای قومی و ضد فارس هم داده میشد. نظر شما در این مورد چیست؟

**محسن ابراهیمی:** در آذربایجان وقتی این اتفاق افتاد، خود حرکتی که مردم نشان دادند و شعارهایی که داشتند میداند، تعرضشان به سپاه، که یک نهاد سرکوب متشکل از همه تیپ ها از جمله ترک زبانهاست، نشان داد که اعتراض مردم ضد حکومت اسلامی است. روشن است که سپاه پاسداران تبریز در تبریز سازمان پیدا کرده است و اساساً هم از ترک زبانها

تشکیل شده است، که البته در آن فارس زبان هم هست. سپاه یک نهاد "ملی" نیست. سپاه یک نهاد سرکوب حکومت اسلامی است که در آذربایجان، تهران، خوزستان و کرمان و سایر جاها برای سرکوب سازمان داده شده است و البته توسط کسانی که به زبانهای مختلف تکلم میکنند سازمان یافته است. مردن به این نهاد حمله کردند. مردم حتی علیه خامنه ای شعار دادند. اما جریانات قوم پرست از جمله تلویزیون گونا، تلاش کردند به این اعتراض به روزنامه دولتی که مردم آذربایجان را به سوسک تشبیه کرد بود رنگ قومی بزنند. مردم آذربایجان تاریخاً به خاطر زبانشان تحقیر شده اند، از نوشتن و آموزش به زبان مادری تحت فشار بوده اند و گروههای قوم پرست از این زمینه استفاده کردند و تلاش کردند شعارهای فاشیستی و نژادپرستانه از جمله شعار هارای هارای من ترکم را دامن بزنند. یا گفتند که "ما علیه حکومت نیستیم". رسماً در تلویزیون گونا می گفتند که مردم ما اعتراضمان الان ملی است، علیه خامنه ای و احمدی نژاد نیست، علیه حکومت نیست. علیه پان فارسیستهاست. شعار فارس دلیل ایت دیلی (زبان فارسی زبان سگ است) را تبلیغ میکردند. موجی از تبلیغات مسموم توسط جریانات قوم پرست شروع شد که بخشا در میان شعارهای مردم هم تاثیر گذاشت. اما خیلی روشن است وقتی تبلیغات ما راه افتاد، از جمله برنامه زنده تلویزیونی توسط مینا احدی و من که در آن تلاش کردیم این را روشن کنیم که اتفاقاً مردم علیه خامنه ای، علیه احمدی نژاد، علیه حکومت اسلامی دارند اعتراض میکنند تاثیر خود را گذاشت. به طور واقعی مردم آذربایجان هیچ مشکلی با فارسیها ندارند. مردم آذربایجان دقیقاً زیر همان فشارهایی هستند که مردم در سایر نقاط ایران، مردم فارس زبان هستند. اگر مردم آذربایجان از حجاب و حقیقت سیاسی دارند رنج میبرند، مردم فارس زبان هم رنج میبرند. همان موقع تلفنهای زیادی به تلویزیون زدند و اظهاراتشان نشان میداد که مردم تبریز و اردبیل و سایر شهرها علیه فارسیها نیستند. خوب میدانند که اعتراضشان علیه یک سیستم سیاسی است. یک حکومت مذهبی است.

**ناصر اصغری:** به نظر من یک نکته ای که اینجا باید حتماً به آن اشاره کنیم و بینندگان باید خبر داشته باشند این است که در هر اعتراضی بالاخره آدمهای متفاوتی شرکت میکنند. این جوری نیست که یک اعتراض دو سه میلیونی در تبریز داشته باشید و همه بیایند شعارهای یک تیبی بدهند. جنبشهای مختلف و افراد مختلفی از آن جنبشها میایند و شعارهای خودشان را میدهند. اما آن چیزی که جالب بود و شما هم اشاره کردید این بود که آن شعارهای قومی را یک سری از آدمها حتی خود جمهوری اسلامی میخواستند عمده بکنند و آن اعتراضاتی را که به فقر و ناماری و آپارتاید جنسی میشد خواستند به حاشیه برانند. اما یک موضع دیگری که در این دوره مطرح بود مسئله آزادی بیان بود. اینکه بالاخره یک کاریکاتوریستی کاریکاتوری کشیده است و بالاخره خواسته خودش را اینجوری بیان کند. شما این را در مقابل این قرار بدهید که کاریکاتوریستی هم تقریباً یکسال بعدش بود توری دانمارک کاریکاتورهای محمد را کشید. چه طوری میتوانیم این دو تا را از همدیگر تفکیک دهیم.

**محسن ابراهیمی:** این دو باهم خیلی فرق میکنند. این جا بحث آزادی بیان صادق نیست. از نظر من تمام مقدسات اسلامی و ملی و قومی و کلا هر چیزی که مقدس است را باید مردم بتوانند آزادانه به نقد بکشند. اصلاً انتقاد به مقدسات جامعه رکن هر انتقادی است. اگر انتقاد به مقدسات وجود نداشته باشد یعنی آزادی بیان در آن جامعه وجود ندارد. این مقدسات میتواند ملی باشد، میتواند مذهبی باشد، میتواند قومی باشد، میتواند میهنی باشد، مثل پرچم و خدا و شاه و میهن و پیغمبر و همه چیز. این روشن است. ولی این اتفاقی که افتاد تحقیر مردم معینی در بخشی از جامعه توسط یک روزنامه دولتی بود. در چه شرایطی؟ در شرایطی که مردم اعتراض میکنند. ما میدانیم که در سال ۸۵ یعنی دو سال پیش که این اتفاق افتاد اعتراضات وسیعی در ایران رخ میداد که هنوز هم ادامه دارد. حکومت اسلامی از طریق روزنامه دولتی اش با این اقدام در واقع میخواست مشغله مردم را عوض کند. میدانیم که در این جهان ما یوگسلاوی را پشت سر داشته ایم،

رواندا را پشت سر داشته ایم. میدانیم که نفرت قومی ابزار جریانات فاشیست بوده است. مردم معمولی را تلاش کرده اند به جان هم بیندازند و خودشان هم آن بالا به حاکمیشان ادامه داده اند. جمهوری اسلامی این ماجرا را خوب میداند. جمهوری اسلامی می بیند که اعتراضات مردم گسترش پیدا میکند. جمهوری اسلامی با یک بحران جدی سیاسی مواجه است. جمهوری اسلامی در بحران میخواست با این حرکت، با این کار روزنامه دولتی اش اختلافات فرقه ای، اختلافات قومی، اختلافات ملی بین مردم راه بیندازد و مشغله مردم را عوض کند. در نتیجه باید به این صورت این موضوع را طرح کرد که ما با تمام اعتقادمان به آزادی بیان بدون قید و شرط، با نفرت پراکنی و نفرت انداختن میان مردم مخالفیم. این دیگر آزادی بیان نیست که شما در یک جامعه از امکانات و ابزار رسانه ای دولتی علیه بخشی از مردم نفرت شکل بدهید. به این معنا این جنبه سیاسی داشت و به طور واقعی باید این روزنامه دولتی تحت تعقیب قرار میگرفت و روشن است که این توسط جمهوری اسلامی نمیتوانست انجام گیرد. ما باید علیه این روزنامه و علیه تلاش سیاسی آن روزنامه مبارزه میکردیم. و همین کار را کردیم. این ربطی به آزادی بیان نداشت.

**ناصر اصغری:** اما در همان موقع اتفاقات دیگری هم افتاد. یعنی دو کمپ در مقابل هم قرار گرفت. یک کمپ اعتراضات توده ای بود و حزب کمونیست کارگری هم از این اعتراضات دفاع کرد و مردم را به اعتراضات بیشتری علیه جمهوری اسلامی فراخواند. کمپ دیگری هم بود که بان فارسیستها و بان ایرانیستها بودند، و حتی یک سری از چپ ها هم به مردم گفتند در خانه هایتان بنشینید. این اعتراضات قومی است. اعتراضات ناسیونالیستی است. در این اعتراضات شرکت نکنید. نظر شما در این باره چیست؟

**محسن ابراهیمی:** صحبت شما دو بخش دارد. یک بخش مربوط به جریانات پان ایرانیست و پان فارسیست از یکطرف و جریانات ناسیونالیست و قوم پرست ترک یا آذری از طرف دیگر که خواستند سوار این موج

## از صفحه ۵ اعتراض در آذربایجان ...

شوند. خوب این کار اینهاست. برای اینکه این جریانات بدون نفرت نژادی و نفرت قومی نمیتوانند به حیات سیاسی شان ادامه دهند. این جریانات روی نفرت پراکنی علیه ملت‌های مختلف یا به اصطلاح اقوام علیه اقوام دیگر دارند زندگی سیاسی میکنند. روشن است که پان فارسیست‌ها و پان ایرانیست‌ها باید استفاده سیاسی خودشان را میکردند که داشتند همین کار را انجام میدادند. و همچنین جریانات فاشیست آذری که بعضا خودشان رسماً اعلام میکنند که طرفدار "بوز قورتها" یا گروه‌های خاکستری هستند که یک جریان رسماً و علناً فاشیست و نژاد پرست و جنایتکار است. هر دو تلاش میکردند استفاده سیاسی خودشان را از این اوضاع بکنند.

**ناصر اصغری: قبل از اینکه شما ادامه**  
بدهید، این جریان قوم پرستان آذری که اشاره میکنید، آیا اینها توی همین بده بستانهایی که در واشنگتن اتفاق میافتاد که به ایران حمله کنند، در این ماجراها دست داشتند؟

**محسن ابراهیمی:** به نکته خیلی خوبی به موقع اشاره کردید. درست همان موقع، به برده بودند که در ایران هم ممکن است با به جان هم انداختن مردم، مسئله سیاسی مردم را عوض کنند، حکومت اسلامی را از دست یک تعرض سیاسی، یک انقلاب سیاسی، یک حرکتی که توده مردم میتواند در آن نقش فعالی داشته باشند نجات بدهند. یا اگر بخوام از جنبه دیگر مطرح کنم این است که میخواستند پروژه اصلی سیاسی دولت آمریکا را در ایران هم پیش ببرند که الان در عراق دارند پیاده میکنند، در افغانستان پیاده کرده اند و در ایران هم میخواستند پیاده کنند. یعنی مسئله ایران را تبدیل کنند به مسئله اقوام، مسئله ملیت‌ها، مسئله مذاهب؛ یعنی حکومتی مرکب از نمایندگان اقوام و شیوخ و قبایل در ایران بوجود بیآورند. درست همان موقع احساس کردند که این شرایط در ایران هم بوجود آمده است. در واشنگتن، جلسات منظم توسط نهادهای رسمی دولت آمریکا تشکیل شد و این نمایندگان خودگمارده مردم آذربایجان که معلوم نبود تا دیروز کجا بودند و از اینور و آنور مثل

قارچ سبز شده بودند به عنوان نمایندگان مردم آذربایجان در آن کنفرانس حضور پیدا کردند. پول گرفتند، امکانات گرفتند، و زور زدند تا به عنوان نمایندگان مردم آذربایجان محسوب شوند. آمریکا داشت چنین تلاشی را پیش می برد و اشخاص و احزاب و گروه‌هایی که یک دفعه از زمین سبز شدند در جلسات مورد بحث شرکت کردند. این تلاشها از طرف آمریکا پیش رفت و گروه‌های قوم پرست هم به آن پیوستند ولی نگرفت. چیزی که مهم است این است که این تلاشها نگرفت. مردم آذربایجان اینها را نماینده خودشان نمیدانند. هیچ جا و هیچ موقع ندانسته اند. اینها برای خودشان می آیند و میروند و مثل جاب میترکند. چون زمینه در ایران به طور واقعی فراهم نیست. زمینه فراهم نیست ولی جامعه ایران واکسینه هم نیست. اگر ما نباشیم، اگر جنبشهای اعتراضی قوی مردم نباشد، اگر نسل جوان انساندوست نباشد، نسل جوانی که شعارش نه هویت قومی نه هویت مذهبی بگله هویت انسانی است نباشد و این تبلیغات وسیع نباشد جامعه واکسینه نیست. روشن است که میتوانستند در صورت نبودن یک اعتراض انسانی قدرتمند خیلی کارها بکنند. اما چون اعتراض در ایران قدرتمند است و مردم خوب میفهمند که مشکل اصلیشان کجاست، که مشکلشان حکومت مذهبی اسلامی تبعیض گر است، در نتیجه نتوانستند زمینه پیدا کنند. نتوانستند برد پیدا کنند.

**ناصر اصغری:** محسن ابراهیمی، گویا امسال هم رژیم برای جلوگیری از اعتراضات اول خرداد شروع کرده به تدابیر امنیتی شدید. در چندین شهر آذربایجان صدها نفر را به اطلاعات احضار کرده است و تهدید کرده اند که اگر اعتراض کنند اعضای خانواده آنها را دستگیر خواهند کرد. توجه کنید که اگر من اعتصاب کنم بچه من را میخوانند دستگیر کنند. این جمهوری اسلامی است. این شرافت و انسانیت جمهوری اسلامی است. میخوانم به این موضوع بپردازیم بعد از اینکه به یک سوزیک ویدیو گوش میکنیم. ....

**مطرح کردم:** اما میخواستیم یک کمی بیشتر در باره جریانات پان ترکیست، تلویزیون گوناخ و این مسئله رژیم چینج که میخواستند جرج بوش برایشان حکومت سرنگون کند و آنها را وارد حکومت کند توضیح بدهید که بینندگان ما هم در جریان باشند. **محسن ابراهیمی:** این جا دو جنبه مطرح است. یکی اینکه این جریانات قوم پرست چه میخوانند. محتوای حرفشان چیست. اینها اگر واقعا دستشان قدرت بیافتد یا بتوانند در میان مردم نفوذ پیدا کنند جامعه را به کدام سمت میبرند. میخوانم سر این چند تا نکته بگویم ولی قبل از هر چیز باید گفت که این جریانات به آمریکا و به کنفرانسهای آنها و به پول دولت آمریکا و مشخصاً پروژه سیاسی آمریکا که قبلاً صحبتش شد متکی هستند. اگر در یک جامعه، مردم آن جامعه از خوزستان تا آذربایجان تا تهران بدانند و بفهمند، این شعور و آگاهی سیاسی را داشته باشند - که در ایران به نظر من مردم دارند - که هویت پایه ایشان انسان بودن است و همه شان آزادی و احترام و حرمت و زندگی انسانی میخوانند و مردم ترک زبان با مردم فارس زبان و بلوچ و عرب زبان فرق نمیکند و همه انسانهای شریفی هستند که میخوانند زندگی خوبی داشته باشند، در چنین فضایی یک جریان قوم پرست ترک آذری یا یک جریان قوم پرست عرب یا فارس نمیتواند زندگی سیاسی داشته باشد. چرا نمیتواند؟ چون شعارش مثلاً فارس دیلی ایت دیلی است. چون شعارش این است که به فارسیا دختر ندهید. دیروز من این را با همین گوش خودم در تلویزیون گوناخ شنیدم که گرداننده تلویزیون آنجا نشسته بود وقتی تلفن کننده این را میگفت داشت سرش را به تایید تکان میداد. شما میدانید که وقتی میگویند به فارسیا دختر ندهید یا به ترکها دختر ندهید این بوی خون میدهد. برای مردم البته این خنده دار است. برای مردمی که میلیونها نفرشان در تهران در جوادیه و نازی آباد و خانی آباد سالهاست زندگی میکنند و زندگیشان با فارس زبانها عجین شده است، برای کارگرانی که در تراکتور سازی و ماشین سازی و کبریت سازی و پالایشگاه دارند کار میکنند و همین الان دارند علیه حکومت اسلامی و سرمایه داران که گاهی حتی ۱۰ ماه است حقوقشان را نپرداخته اند کنار هم مبارزه

میکند، برای چنین مردمی اینکه توسط یک جریان قوم پرست تبلیغ میشود که به فارسیا یا ترکها زن ندهید هم خنده دار است، هم احقانه است، هم نفرت انگیز است. میخوانم بگویم که در یک فضای انسانی اینها محل فعالیت سیاسی، ابراز وجود سیاسی ندارند. به این معنا اینها متکی هستند به موشکهای آمریکا. متکی هستند به اینکه آیا جرج بوش بالاخره میخواند چلی ایران را هم پیدا کند و بر سر مردم ایران حاکم کند؟ که اگر چنین باشد، البته در آذربایجان ده بیست نفری خودشان را آماده خدمتگزاری کرده اند. این یک جنبه است.

اینکه چی میخوانند را به نظر من میشود از طریق شعارهایی که میدهند، فعالیت‌هایی که دارند میکنند، تبلیغاتی که دارند میکنند فهمید. من فقط یک نمونه را میخوانم اینجا بیان کنم. نمونه ای که در اتفاق دو سال پیش، تلویزیون گوناخ و سایر تلویزیونهای فاشیست آذری تلاش کردند در مقابل مبارزه مردم آذربایجان علم کنند. در آذربایجان مردم آمدند خیابان. حکومت اسلامی سپاه هارش را فرستاد سراغ مردم که سرویشان کند، سپاهی که همچنانکه گفتم یک نهاد سرکویگر جمهوری اسلامی است و در داخل هم فارس زبان و هم ترک زبان وجود دارند. تلویزیون گوناخ و سایر رسانه های جریانات فاشیت ترک داشتند چی چیزی تبلیغ میکردند؟ رسماً همان روز که سپاه مردم را دستگیر میکرد و می برد زندان و شکنجه میکرد اینها میگفتند مردم مواظب باشید سرکویگران قیافه افغانی و لبنانی و فارس دارند. این را برای آن مردمی میگفتند که ده پانزده سال جلوتر فرزندانشان را موسوی اردبیلی و موسوی تبریزی ترک زبان به اعدام محکوم میکردند. همینها مادران و پسران زیادی را جلوی زندانها برای سالها و سالها نگه داشتند و پیراهن خونین بچه هاشان را تحویلشان دادند. اینها جزو همان دستگاه سرکوب حکومت سرمایه داری اسلامی بودند اما ترک زبان بودند. ما همان موقع در برنامه های تلویزیونی که راه انداختیم گفتیم که آن جوان سوسیالیست و آزادیخواهی که در تبریز زیر شکنجه بود و بدستور موسوی تبریزی اعدام میشد، آن جوانی که بدستور موسوی

اردبیلی که یکی از گردن کلفت‌های دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بود اعدام و شکنجه میشد در کنار آن فارس زبانی قرار داشت که در تهران توسط لاجوری اعدام میشد. در مقابل، لاجوری فارس زبان، رفسنجانی فارس زبان در کنار خامنه ای ترک زبان و موسوی اردبیلی ترک زبان و موسوی تبریزی ترک زبان قرار میگیرند و هم سرنوشتند. به معنای سیاسی هم قیافه اند. آن مردمی که در کرمان و تبریز و بلوچستان و آذربایجان به زبانهای مختلف حرف میزدند و در مقابل جمهوری اسلامی مبارزه میکردند، آنها هم باهم سرنوشت بودند و هنوز هم همسرنوشت هستند. هنوز هم در مقابل حجاب در دانشگاه تبریز و تهران مبارزه میشود. هنوز هم در مقابل خفقان اسلامی، دانشجویان ترک زبان کنار دانشجویان فارس زبان دارند مبارزه میکنند. اینها خیلی روشن است. اینها برای یک عقل سالمی که توسط جریانات قوم پرست بیمار نشده است خیلی روشن هستند. اینجوری نیست که من چیزهای عجیبی دارم میگویم. ولی میخوانم بگویم این جریانات آنقدر فاسد هستند، این جریانات آنقدر محتوای ارتجاعی و ضد انسانی دارند که برای یک آدم عادی که مشغله اش مبارزه با یک حکومت فاسد است فکر نمیکنم تاثیری داشته باشند. یک مثال دیگر هم میخوانم بزنم که ...

**ناصر اصغری:** بگذارید این را مطرح کنم. ما خودمان وقتی این بحثها را آن وقت دنبال میکردیم برای ما مسلح بود که اعتراضات بر علیه جمهوری اسلامی، یا بر علیه خفقان جمهوری اسلامی یا بر علیه تحمیل فشار و سرکویگری علیه مردم است. اما در بحثهای شما جریانات قوم پرست آذربایجان و جریاناتی که در گوناخ بودند و واقعا به قول حمید تقوایی فقط جریانات ویرجالی بودند یعنی کامپیوتری بودند خیلی عمده است. بقول انگلیسیها یک کانتراست است. بگذارید یک مقایسه ای هم نیروهایی متشکلی مثل حزب دموکرات و سازمانهای قوم پرستی مثل خیاب و عبدالله مهنندی جیها را درآید اما با این همه اعتراض در کردستان این طوری برجسته نیست.

## جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد!

### فراخوان به شرکت در تظاهرات

در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران  
در تظاهرات ۶ جون در مقابل مقر سازمان  
جهانی کار (آی ال او) در ژنو شرکت کنید!

اجلاس سالانه سازمان جهانی کار آی ال او از ۲۸ ماه مه تا ۱۳ ماه ژوئن در ژنو برگزار میگردد. قرار است هیئت نمایندگان رژیم اسلامی ایران همچون سالهای گذشته در این اجلاس حضور بهم رسانند. نباید اجازه داد سرکوبگران کارگران در آی ال او حضور یابند. رژیم اسلامی ایران بخاطر سرکوب کارگران و تحمیل بیحقوقی مطلق به آنها، باید از آی ال او اخراج گردد.

در حمایت از مبارزات کارگران،  
در همبستگی با کارگران هفت  
تپه و برای آزادی کارگران  
زندانی و دستگیرشدگان اول  
مه، در این تظاهرات شرکت  
کنید!

همه مردم آزادیخواه و همچنین  
سازمان های کارگری را را به شرکت  
در این تظاهرات فرامیخوانیم.

### زمان:

جمعه ۶ جون از ساعت ۱۳ تا ۱۵:۳۰

### محل:

ژنو مقابل سازمان جهانی کار  
(آی ال او)

جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ مه ۲۰۰۸ ۲۹ اردیبهشت ۸۷

تلفن تماس: 0046704158999

جلب کنند.

ناصر اصغری: با تشکر از بحث خوبی  
که ارائه دادید و وقتی را که در  
اختیار ما قرار دادید.  
ادیت و تدقیق شده است.

محسن ابراهیمی: من هم متشکرم.\*

کرده است.

ناصر اصغری: محسن ابراهیمی من  
خودم فکر نمی کردم که این بحث  
حداقل برای خود من اینقدر جالب  
باشد. سوالی را که مطرح کردم در  
باره اینکه جمهوری اسلامی تدابیر  
امنیتی شدیدی را دیده و لطفاً در این  
مورد هم توضیح بدهید که مردم  
چکار بکنند؟

محسن ابراهیمی: در یک کلمه، جمهوری  
اسلامی می ترسد. دقیقاً هم به این  
خاطر می ترسد که میدانند اگر مردم  
در تبریز و یا اردبیل و یا هر جای  
دیگر آذربایجان اعتراضشان را  
گسترش دهند، این اعتراض رنگ  
قومی ندارد. به همین خاطر می  
ترسد. اگر رنگ قومی داشت بنظر  
من جمهوری اسلامی نمی ترسید.  
میدانند که اعتراض مردم رنگ ضد  
حکومت اسلامی دارد و این رنگ  
ضد حکومت اسلامی قویتر هم  
خواهد شد. می ترسد این  
اعتراضات گسترش پیدا کند و  
اوضاع از دستشان در برود. تهران  
جواب بدهد، هفت تپه جواب بدهد و  
غیره و اوضاع از دستش در برود. و  
به همین خاطر برای پیشگیری از  
چنین وضعیتی، به عمق ظرفیت  
جنایتکاری و ضد انسانیتش دست  
برده و همچنانکه شما اشاره کردید  
گفته است که اگر شما اعتراض کنید  
بچه های شما را دستگیر خواهیم  
کرد. خیلی روشن است که میترسد.  
لازم نیست گفته شود که مردم در  
مقابل جمهوری اسلامی مبارزه کنند  
چرا که مردم دارند مبارزه میکنند.  
اینجا میخواهم استنتاج و تصویر  
خودم را از این سراسیمگی جمهوری  
اسلامی بدهم. جمهوری اسلامی  
قبلاً هم به این کارها دست زده، زیاد  
هم دست زده. اصلاً احمدی نژاد را  
آورده اند که این پروژه سرکوب و  
خفقان را به پیش ببرد و مردم را  
بترساند. اما کاری از پیش نبرده و  
این بار هم نخواهد توانست. ممکن  
است سطح اعتراض را این گوشه و آن  
گوشه با تعرض و هجوم وسیع سپاه و  
بسیج و غیره کم کنند. این ممکن  
است. ولی نخواهد توانست مبارزه را  
ساکت کند چرا که مردم چاره ای جز  
اعتراض ندارند. مهم این است که  
مردم در آذربایجان شعارهای انسانی،  
سیاسی و طبقاتی و شعارهایشان  
علیه جمهوری اسلامی را برجسته  
کنند و حمایت تمام مردم ایران را

جنایتها دست بزنند و به گردن "اقوام"  
مختلف بیاندازند. این جنایات  
توسط این باندها گسترش پیدا کند و  
البته در عین حال مردم هم  
مبارزاتشان سازمانیافته و رهبری  
شده نباشد. در چنین شرایطی، فقط  
در چنین شرایطی که مبارزات مردم  
سازمان یافته و تحت رهبری یک  
حزب انسانی و چپ و سوسیالیست  
نباشد، در چنین خلا رهبری مبارزات  
مردم، اینها این ظرفیت را دارند که  
مردم عادی را به استیصال بیاندازند.  
به این دقت کنید این خیلی مهم است  
مردم عادی را به استیصال بیاندازند  
و در عین حال تحریکات قوم پرستانه  
شان را گسترش دهند، در چنین  
شرایطی، اوضاع میتواند از دست  
اعتراض انسانی خود مردم هم در  
برود. این را در یوگسلاوی کردند.  
مگر یوگسلاوی کمتر از جامعه ایران  
مدرن بود. یوگسلاوی یک جامعه  
مدرن بود اما توانستند توسط  
آرکانها که یکی از جانیان فاشیست  
در آنجا بود و معلوم نبود از کجا در  
آمد و رهبر شد مردم را به استیصال  
بیاندازند. چنین جنایتکاری به جان  
مردم افتادند، آدم کشتند و سیل خون  
راه انداختند و مردم مستاصل هم یا  
وسائشان را برداشتند و فرار کردند  
یا دنبال جنازه بچه هایشان بودند و  
فکر کردند که واقعا مردم صرب یا  
کروات هستند که آدمکشی  
میکند. می خواهم بگویم میتوان  
شرایطی را تصور کرد که مردم  
اعتراض می کنند اما رهبری  
سیاسی شکل نگرفته تا این  
اعتراضات را به سرنگونی رادیکال و  
انقلابی منجر کند. در این صورت،  
و فقط در این صورت جریانانات  
فاشیست مسلح میتوانند استیصال  
وجود بیاورند. و به این معنا مبارزه  
با اینها، افشای عمق جنایتکاری  
اینها، افشای خطرات اینها بنظر من  
لازم است. این لازم است تا مردم  
خود را در مقابل خطر این باندها  
بعنوان یک سد محکم سازمان دهند.  
این کار مخصوصاً در ایران  
امکانپذیر است چون در ایران یک  
مبارزه سیاسی گسترده سرنگونی  
طلبانه وجود دارد، مردم منفعل  
نیستند. مردم در حال اعتراض  
هستند. اعتراض مردم رادیکال  
است. انسانی است. تحرک سیاسی  
گسترده و رادیکال مردم علیه  
حکومت اسلامی، شرایط سیاسی را  
برای جارو کردن این باندها در یک  
شرایط بحرانی بیش از پیش آماده

با توی خوزستان حتی تلویزیون هم  
ندارند. با اینکه جریانانات آذری  
تلویزیون دارند اما در خوزستان بین  
عرب زبانها تلویزیون ندارند. اما  
در بحث شما این خیلی عمده است.  
صرفاً برای اینکه برای بینندگان ما  
این روشن بشود و خود من هم بدانم  
که این چرا این قدر عمده است.  
محسن ابراهیمی: می خواهم دو تا پدیده  
را در مقابل هم بگذارم. لازم است  
این دو را در مقابل هم برجسته کنم.  
یکی اعتراض مردم است و دیگری  
تحرک قوم پرستانه است. فکر می کنم  
یک آدم معمولی شریف می داند  
مردم به چه چیزی اعتراض می کنند.  
میدانند در میان مردم آذربایجان  
واقعا آن چه نفرتی بود که آن روز به  
بهانه آن روزنامه منفجر شد و آن  
اعتراض رخ داد؟ همه می دانند که  
آن نفرت علیه شلاق و ستم و حجاب  
و خفقان و گرسنگی بود. عین  
آرایشهر و جاهای دیگر. اما تحرک  
باندهای قوم پرست فرق میکند. آنها  
اهداف ارتجاعی سیاسی خودشان را  
دنبال میکنند. آیا این باندهای  
فاشیست و قوم پرست اصلاً  
خطرناکند؟ اگر خطرناک نیستند، چرا  
اصلاً بحث می کنیم! جامعه در  
مقابل اینها واکنش نیست. چرا این  
را میگویم؟ بگذارید این را معنا کنم  
که چرا میگویم جامعه واکنش  
نیست. نه به این معنا که تبلیغات  
مسموم اینها را مردم تحویل  
میگیرند. ببینید این جریانانات قوم  
پرست ایدئولوژی آدمکشی شان را که  
دارند؛ ایدئولوژی جنایتکاریشان را  
که آماده دارند؛ اگر پشتشان اسلحه  
باشد، اگر پشتشان حمایت مادی  
بطور مشخص باشد، اگر اینها را  
مسلح کنند، اگر ده تا جریان قوم  
پرست را در خود آذربایجان به جان  
مردم فارس زبان بیاندازند، آیا  
میتوانند اوضاع را عوض کنند؟ آیا  
میتوانند مبارزات مردم را تحریف  
کنند؟ صحبت از باندهای  
سازمانیافته قوم پرست است که علیه  
فارسها یا به قول خودشان "اقوام"  
دیگر مردم را تحریک می کنند. البته  
فقط تحریک نمیکند. خودشان اقدام  
می کنند. اینها می روند علناً  
آدمکشی راه می اندازند. آن موقع  
تلویزیون گونامی می گفت که ما مردم  
فارس زبان را تا کرمان دنبال کنیم.  
کسانی که اینها را می گویند میروند  
آدم می کنند. شما یک لحظه تصور  
کنید در اوج اعتراضات مردم  
آذربایجان، این جریانانات به همین

## معرفی کتاب مینا احدی در شهر کلن آلمان با استقبال روبرو شد



روز جمعه ۳۰ ماه مه در کتابفروشی بزرگ تالیا در مرکز شهر کلن آلمان، کتاب من مذهب را طرد کرده ام، معرفی شد. در این جلسه مینا احدی= زینا فوگت و میکاییل اشمیت سالمون حضور داشتند. در ابتدا اشمیت سالمون با اشاره به مطلبی در روزنامه سراسری "تاتس" که در مورد مینا احدی بود و در آن به کنفرانس برلین و همچنین حزب

کمونیست کارگری ایران اشاره شده بود، از مینا سوال کرد و سپس با بازخوانی بخشهایی از کتاب توسط زینا فوگت، میکاییل اشمیت سالمون از مینا احدی در مورد دوران کودکی او، انقلاب در ایران، حجاب اسلامی و سپس فعالیت‌های مینا بعنوان پارتیزان و فعالیت‌های او در آلمان سوال کرد. در بخش پایانی این برنامه مردم با سوالات و

اظهارنظرهای خود در مباحثات فعالانه شرکت داشتند. مسولین کتابفروشی تالیا از این جلسه بعنوان یکی از موفقترین جلسات معرفی کتاب که با استقبال زیادی روبرو شده حرف زده و فضای حاکم بر جلسه نیز با تایید و ابراز احساسات زیادی به صحبت‌های مینا احدی همراه میشد. در شهر کلن آلمان این جلسه، در

حقیقت استقبال از کنفرانس بود که از روز شنبه در این شهر آغاز میشود. در مورد این کنفرانس انتقاد به اسلام، در رسانه‌های متعددی نوشته شده و این کنفرانس با استقبال بی نظیری مواجه شده است. تا کنون در بیش از ۴۰ رسانه در مورد این جلسه نوشته شده و خبرنگاران زیادی برای تهیه گزارش

نامنویسی کرده اند. شبکه رسمی خبرگزاری آلمان خبر این جلسه را زده و تا کنون با گونتر والراف، رالف جردانو و مینا احدی در مورد این کنفرانس مصاحبه‌هایی انجام گرفته است.

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان  
۳۱ ماه مه ۲۰۰۸

## جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود حضور هیئت حزب کمونیست کارگری ایران در اجلاس سازمان جهانی کار

امسال نیز همانند سال‌های قبل هیئتی از سوی حزب کمونیست کارگری ایران به سرپرستی بهرام سروش و فرشاد حسینی از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در محل کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار "آی ال او" حاضر شدند تا صدای اعتراض کارگران و مردم ایران به حضور هیئت جمهوری اسلامی در این سازمان و نقض پایه‌ای ترین حقوق کارگران توسط رژیم اسلامی در ایران را به گوش جهانیان برسانند.

امروز پنجشنبه ۵ جون، ۱۶ خرداد ۸۷، در نهمین روز این کنفرانس، فرشاد حسینی و بهرام سروش خود را به داخل سالن کنفرانس رسانده و در آنجا با پخش وسیع اطلاعیه کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران و با جمع آوری امضا برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، توجه نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس را بخود جلب کردند. حضور این هیئت موجب نگرانی نمایندگان جمهوری

اسلامی و فشار و رسوائی بیش از پیش آنان شد. طومار (پتیشن) دربارہ اخراج جمهوری اسلامی ایران از آی ال او، توسط نمایندگان اتحادیه‌ها که از کشورهای مختلف به آنجا آمده بودند، امضا شد. فعالین حزب کمونیست کارگری ایران هم اکنون در محل اجلاس سالانه جهانی کار حضور دارند. این حرکت اعتراضی فردا ۶ ژوئن ساعت ۱ بعد از ظهر با برپایی آکسیون در مقابل سازمان جهانی کار ادامه خواهد داشت.

هیات شرکت کننده حزب کمونیست کارگری ایران خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است. این هیئت همچنین بر آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه جوانمیر مرادی و طه آزادی و نیز آزادی منصور اسانلو رئیس سندیکای شرکت واحد که یکسال است در زندان بسر میبرد و آزادی مجید نصیری از کارگران لوله سلفچگان قم و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تاکید دارد. این هیئت ضمن اعلام

حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه خواهان خاتمه یافتن احضار رهبران اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه و باطل اعلام شدن پرونده‌های تشکیل شده برای آنها و ممنوعیت فشار و تهدید فعالین و رهبران کارگری، معلمان و بخش‌های مختلف جامعه است.

جمهوری اسلامی ایران از سازمان جهانی کار اخراج باید گردد  
زندانی سیاسی، کارگر زندانی، آزاد باید گردد

تشکیلات خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ جون ۲۰۰۸، ۱۶ خرداد ۸۷

مسئولیت صفحه بندی  
انترناسیونال  
به عهده آرش ناصری  
است.

مرگ بر  
جمهوری اسلامی!  
زنده باد  
جمهوری سوسیالیستی!

www.wpiran.org  
www.rowzane.com  
www.international.com  
www.newchannel.tv

سایت حزب:  
سایت روزنه:  
نشریه انترناسیونال:  
سایت کانال جدید:  
آدرس تماس با حزب:  
Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046-8 6489716  
Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

آدرس پستی  
I.K.K  
Box: 2110  
127 02 Skärholmen - Sweden

... دنیا بدون فراخوان  
سوسیالیسم، بدون امید  
سوسیالیسم  
و بدون "خطر" سوسیالیسم به  
چه منجلا بی بدل میشود!